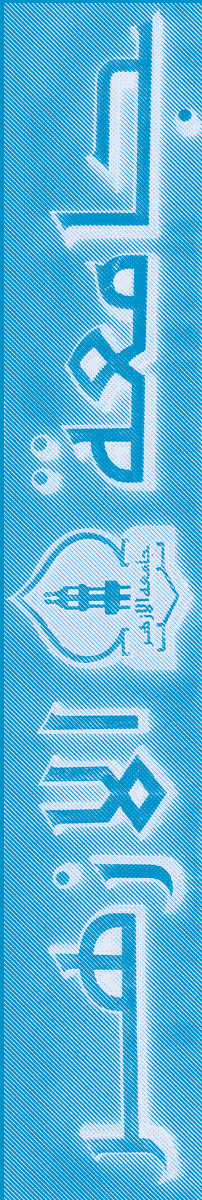


دانشگاه الازهر مصر

معصومه شادبهر

دبیر تاریخ، شهرستان بهارستان



مقدمه

خلافت فاطمی در اواخر قرن سوم هجری در شمال آفریقا پا گرفت. علویان همیشه می گفتند پیشوایی مسلمانان از ایشان است که فرزندان امام علی (ع)، پسر عم و داماد پیغمبر (ص)، هستند. آنان گاه به شمشیر و زمانی به تبلیغ یا تدبیر برای تحصیل حق خود می کوشیدند تا اینکه خلافت فاطمی در ولایت‌های غربی پا گرفت و رقیب عباسیان شد. خلافت فاطمیان بر تقدس و عصمت امام استوار بود.

فاطمیان را عبیدیان هم می خواندند، زیرا نسب ایشان به عبیدالله مهدی خلیفه اول فاطمی می رسید، و هم علویان می نامیدند که دعوی از نسب امام علی (ع) داشتند و خود را به حضرت فاطمه زهرا (س) منسوب می کردند. عنوان «شاهان» نیز به ایشان داده شده است.

فاطمیان مانند عباسیان نام خدا را به لقب خویش می افزودند (ابراهیم حسن، ۱۳۷۸: ۶۰۰) «و این چنان بوده است که یکی از فرزندان امیرالمؤمنین، حسین بن علی (ع) که او را المعزالدین گفته اند ملوک مغرب گرفته است تا اندلس و از مغرب به سوی مصر لشکر فرستاده است و چون لشکر به آن موضع رسید آن را قاهره نام نهادند و در مصر سپهسالاری از آن خلیفه بغداد بود» (قبادیانی، ۱۳۵۰: ۶۱) یعنی دوران خلیفه معز ۳۴۱ تا ۳۶۴ ه.ق، او که مردی دانشور بود و چند زبان می دانست از تدبیر و دقت نظر بهره کافی داشت. در دوره وی همه قبایل بربر مطیع دولت فاطمی شدند (ابراهیم حسن، ۵۰۶).

قهرمان فتوح این دوران **جوهر صقلی** (اهل جزیره سیسیل) بود که او را جوهر رومی (یونانی) نیز گفته اند. وی در یکی از ولایت‌های بیزانس و احتمالاً سیسیل زاده و در فیروان به غلامی فروخته شده بود. جوهر پس از آنکه به سال ۳۵۹ پیروزمندانه وارد فسطاط پایتخت مصر شد بلافاصله بنیاد شهری را آغاز کرد که قاهره نام یافت.

جوهر دشمن قرمطیان بود که در بیشتر نواحی شام قدرت فراوان داشتند. خلیفه معز، جوهر را با سپاهی فراوان فرستاد تا در اقصای آفریقاییه مناطقی را که در قلمرو فاطمیان نبود به اطاعت درآورد. او تا اقیانوس اطلس پیش رفت و هدیه‌ای از ماهی اقیانوس برای معز فرستاد؛ یعنی نفوذ دولت فاطمی به آنجا رسیده است. مصر از لحاظ ثروت و ثبات وضع و موقع جغرافیایی مورد توجه دولت فاطمی بود و فاطمیان بعد از آنجا بر شام، فلسطین، شهرهای مقدس مکه و مدینه تسلط یافتند و اعتبار دولتشان فزونی گرفت (خیری، ۱۳۶۲: ۱۰۸).

در میان اردوی جوهر در بیرون، **فسطاط** به سرعت به صورت شهری درآمد که در اول به نام شهر همتای خود در آفریقاییه که هنوز معز در آنجا اقامت داشت منصوبه خوانده شد. (دفتری، ۱۳۷۸: ۱۱۲) و بعد **قاهره** نام گرفت.

کلیدواژه‌ها: دانشگاه الازهر مصر، فاطمیان، شیخ محمود شلتوت

تأسیس الازهر

یکی از اسباب ایجاد مدارس در جهان اسلام تأیید مذهب یا کیشی بود که سلطان یا امیر آن را می‌پسندید و به ساخت آن اقدام می‌گردید. (حلبی، ۱۳۸۲: ۴۱۴)

مقریزی درباره جامع الازهر شرح مفصلی دارد و معتقد است که تأسیس این مسجد جامع در ۲۴ جمادی‌الاول سال ۳۵۹ هجری آغاز و پس از بیست و هفت ماه تکمیل شد. این اولین مسجدی بود که در قاهره به‌عنوان مسجد جامع رسمی دولت بنا شد و برای مرکز علمی، فرهنگی در گسترش دعوت اسماعیلیان در نظر گرفته شد. (ناصری طاهری، ۱۳۷۹: ۱۳۵)

در سال ۳۵۹ هجری هنگامی که فاطمیان قاهره را پایتخت قرار دادند (خیری، ۱۳۶۲: ۱۰۸) جوهر صفلی، سردار خلیفه فاطمی معز، جامع الازهر را بنیان گذاشت و دو سال بعد ساختمان اصلی آن به اتمام رسید (دفتری، ۱۳۷۸: ۲۰۲) جوهر که نمی‌خواست شعائر شیعیان فاطمی در مساجد اهل تسنن به پا شود همان‌دم که بنای قاهره را گذاشت مسجد الازهر را نیز پایه‌گذاری کرد. (ابراهیم حسن، ۱۳۷۸، ج ۳: ۷۰۸)

جامع الازهر که در آغاز برای تعلیم فقه شیعه بود به‌صورت مدرسه‌ای درآمد که همه علوم اسلامی در آن تدریس می‌شد. دولت فاطمی در دوره «عزیز» بسیار بزرگ شد. خطر قرمطیان و ترکان در شام بزرگ شد ولی

فاطمیان پیروز شدند و آنان تحت سیطره فاطمیان درآمدند. (همان: ۵۵۲)

دلیل نامگذاری مسجد الازهر در عربی کلمه «ازهر» به معنی پرنور، درخشان یا درخشان است. اما بعضی از مورخین قائلند که نام این مسجد از کلمه «الزهر» لقب مشهور دختر پیامبر (ص) گرفته شده که نام او فاطمه بود و خلفای فاطمی مدعی بودند که از نسل او هستند. (سیاعی، ۱۳۷۳: ۱۰۵) عزیز بالله خلیفه فاطمی در سال ۳۷۸ خانه‌ای در کنار مسجد الازهر خرید و آن را به سی و پنج نفر از علما اختصاص داد که هر جمعه بین نماز ظهر و عصر مجلس علمی برپا می‌کردند. **ابن کلس**، وزیر این خلیفه نیز اهل علم و ادب را دوست می‌داشت و به خود نزدیک می‌ساخت و به دستور خلیفه ماهانه هزار دینار بر جماعتی از اهل علم و نسخه‌برداران و صحافان خرج می‌کرد. (آدام، متر، ۱۳۶۴، ج ۲: ۲۰۶) سال ۳۷۸ یعقوب کلس عزیز را گفت که الازهر را جایگاه علوم کند. عزیز و خلیفگان پس از او جویندگان علم را از همه قلمرو اسلام به الازهر می‌آوردند که مسکن و خوراک و معاش و آسودگیشان را مهیا کرده بودند. (ابراهیم حسن، ۱۳۷۸، ج ۳: ۷۰۸)

فاطمیان در دانشگاه الازهر، به قول کیارد (cayard) عقاید اسماعیلیه تدریس می‌کردند. بنای این کار بر آن بود که اشاعه مذهب باید به‌وسیله تبلیغات باشد. البته نسبت به ادیان نهایت گذشت و تحمل را روا می‌داشتند. (مشکور، ۱۳۷۹: ۲۲۰)

یعقوب کلسی مسجد الازهر را که از آن

پیش خاص تعلیم مبادی فاطمیان بود

به مدرسه علوم متداول تبدیل

کرد. (ابراهیم حسن،

۱۳۷۸،



ج ۳: ۶۶۲) مسجد زیر نظر قاضی بود و قاضی معمولاً سه روز مانده به ماه رمضان از مسجد بازدید می‌کرد و نسبت به سالم و پاکیزه بودن حصیرها و قندیل‌ها و ساختمان دقت می‌کرد. البته خرج نگهداری مسجد زیاد نبود. (آدام، متر، ۱۳۶۴، ج ۲: ۳۷۶)

مشخصات ساختمان الازهر

بایارداج در تحقیق گسترده خود درباره جامع الازهر مشخصات آن را چنین شرح می‌دهد: بنای اصلی مسجد مستطیلی شکل و ابعاد آن ۲۲۷ و ۲۸۰ قدم بوده است. در بزرگ مسجد در جهت شمال غربی به صحن حیاط مرکزی منتهی می‌شده است. کنار دیواری که در مذکور در آن باز می‌شد هیچ ستونی وجود نداشت ولی سقف حرم مسجد که در منتهی‌الیه صحن واقع شده بود روی چهار ردیف ستون قرار داشت. احتمال می‌رود ولی محقق نیست که ستون‌ها و صفحه‌های واقع در سمت راست و چپ صحن جزء بنای اصلی و همزمان با سایر قسمت‌های اصلی ساخته شده باشد. راهروی واقع در وسط شبستان از میان ستون‌ها به محل محراب که سمت قبله را نشان می‌دهد منتهی می‌شده است. در سمت راست این محراب کوچک، پله‌های منبری قرار داشت که واعظ برای ایراد خطبه از آن بالا می‌رفت. منبر اصلی بدون تردید کرسی بزرگی بود و به دیوار عقب تکیه داشت. این منبر دری منقوش داشت و پله‌هایی که از این در شروع می‌شد به کرسی منتهی می‌گشت که قبه کوچکی بالای آن قرار داشت و واعظ زیر آن می‌نشست و خطبه می‌خواند. به احتمال زیاد قسمت‌های چوبی منبر با آیات قرآن و نقوش هندسی حکاکی و یا منبت کاری شده بود. بعضی از مساجد در آفریقای شمالی منبر چرخدار داشت که در پستوهای کوچکی نگاهداری و در مواقع لزوم به داخل مسجد منتقل می‌شد.

در ابتدا الازهر محل تطهیر و وضو نداشت، چون فاطمی‌ها معتقد بودند که نمازگزاران قبل از ورود به مسجد باید خودشان این اعمال را انجام داده باشند. اولین مناره مسجد که بر فراز در اصلی قرار داشته احتمالاً آجری و کوچک بوده است. درهای فرعی نیز وجود داشت که به خیابان‌های اطراف باز می‌شد. دیوار دور مسجد از سنگ‌های

رملی قطور ساخته شده بود که حیاط اندرون و صفاهای زیبای مسجد را از همه‌مهمه بازار مصون می‌داشت. (ناصری طاهری، ۱۳۷۹: ۱۳۵)

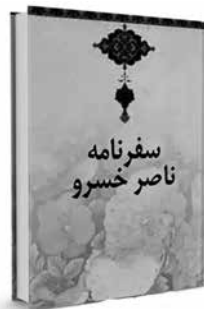
از عجایب الازهر حوض طلای آن بود که از قسطنطنیه آورده بودند، یک حوض کوچک سبز که به تصویر آدمی مزین بود و می‌گفتند از فرط زیبایی و ظرافت قیمت آن به شمار نیست. دوازده مجسمه از طلای سرخ مرصع به جواهر گران‌بها که در درالصناعه قرطبه ساخته بودند اطراف حوض بود. شیری بود و پهلوی آن آهویی، نهنگی، ازدهایی، عقابی، کبوتری، شاهینی، طلاوسی، مرغی و خروسی؛ همه به ردیف، که از دهان آن آب حوض می‌ریخت. (ابراهیم حسن، ۱۳۷۸، ج ۳: ۷۱) گفته شده ساختمان کالج دانشگاه کمبریج و صحن آن عمارت، از دانشگاه الازهر اقتباس شده است. تقسیم‌بندی دانشجویان به دسته‌جات مختلف از ابتکارات دانشگاه الازهر است. (محمدی، ۱۳۷۳: ۲۱۸)

نظام تعلیماتی و آموزشی الازهر

بایارداج در تحقیق گسترده خود چنین گوید: یکی از وسایل اساسی که سبب بالا رفتن اعتبار فاطمیان شد نظام فقهی آن‌ها بود که با عقاید خاص آن‌ها مطابقت داشت. به این منظور وقتی خلیفه معز مصر را فتح کرد درصدد برآمد فقیهانی را تربیت کند تا بتوانند مردم را به پذیرش اصول فقهی مذهب شیعی اسماعیلی به‌جای اصول فقهی قدیمی سنی متمایل سازند. از این رو معز تعدادی از فقیهان شیعه [اسماعیلی] را از آفریقای شمالی به قاهره پایتخت جدید فرستاد تا نظام حقوقی فاطمیان را بنیاد نهند. بین این گروه از فقها دو نفر از قابلیت فوق‌العاده برخوردار بودند.

قاضی ابوحنیفه النعمان بن محمد یکی از این دو بود که در قیروان (واقع در تونس امروزی) بزرگ شده بود. وی پس از مطالعه احکام شرعی سنی و شیعه اسماعیلی به خدمت فاطمیان درآمد و ابتدا در مقام قاضی محلی و بعد در منصب قاضی‌القضات معز انجام وظیفه می‌کرد. این قاضی به شهر جدید قاهره رفت تا در مورد تجدید سازمان نظام حقوقی در مصر اقدامات لازم را به عمل آورد. او اندکی قبل از وفات معز درگذشت و پسری به‌نام علی به‌جای گذاشت که در مقام عالی‌ترین مرجع حقوقی کشور فاطمی به جای

**امروزه الازهر
هم یک دانشگاه
و هم مرکزی
برای تحولات
فکری و تبادل
اندیشه‌های
اسلامی است**



پدر نشست.

فقیه برجسته دیگر، **ابن کلس** بود. او از یهودیان بغداد بود و تا سال ۳۳۵ ه.ق به تجارت در دمشق اشتغال داشت و پس از این تاریخ به دلایلی از آنجا به مصر گریخت. در مصر صاحب مال و نام گردید و توسط مقامات دولتی برای کمک در امور تجارت استخدام شد، سپس به طور پنهانی شعائر و احکام اسلامی را فرا گرفت و در سال ۳۵۶ ه.ق برای ادای نماز به مسجد اعظم قاهره قدیم رفت و اسلام آورد و بعد یکی از مقامات عالی‌رتبه حکومت محلی شد. هنگامی که وضع بحرانی در مصر پیش آمد ابن کلس به دربار معز رفت تا خلیفه را برای حمله به دره نیل تشویق کند. بعد از حمله فاطمیان به مصر وی نقش مؤثری در سازماندهی اوضاع داخلی آن کشور به عهده داشت. ابن کلس رفته رفته دانشمندی بزرگ شد و از استادان ادب به‌شمار آمد و کتاب‌هایی درباره قرائت قرآن، فقه، اخلاق و حفظ‌الصحه تصنیف کرد. دانشمندان مختلفی برای کسب فیض نزد او می‌آمدند و او شماری از کاتبان را استخدام کرده بود تا از کتاب‌های مورد علاقه‌اش نسخه‌برداری کنند. پس از آنکه معز درگذشت عزیز جانشین او شد، خلیفه جوان برای پیشرفت نظام قضایی به **علی بن النعمان** متکی بود و به ابن کلس نیز قدرت روزافزونی بخشید و بالاخره وی را وزیر خویش کرد.

در سال‌های نخستین خلافت عزیز علمای اهل سنت همچنان امور آموزشی را در مساجد قدیمی محله‌های کهنه شهر اداره می‌کردند، در حالی که کلاس‌های مذهبی نوپنید فاطمی در داخل قصر برگزار می‌شد. چندی نگذشت که قاضی **علی بن النعمان** و وزیر با نفوذ عزیز، ابن کلس، از مسجد جدید الازهر برای اشاعه تعلیمات فاطمی بهره‌برداری کردند. مقریزی تاریخ‌نگار شرحی درباره اینکه چگونه این دو مرجع تعلیم عالی را در الازهر آغاز کردند آورده است.

در ماه صفر سال ۳۶۵ **قاضی علی بن النعمان** در جامع الازهر رساله‌ای را درباره فقه که پدرش نعمان نوشته بود املا کرد. این رساله که براساس فقه اهل بیت پیامبر (ص) تهیه شده بود «الاقتصار» نام داشت. هنگامی که یعقوب بن کلس به وزارت عزیزبن معز رسید مکانی برای دانشمندان و ادیبان، شعراء، و فقیهان و حکمای الهی در قصر ترتیب داد و برای همگی مقرری تعیین کرد. وی کتاب‌هایی درباره فقه تدوین کرد و هر

سه‌شنبه جلسه‌ای تشکیل می‌داد که فقیهان و حکمای الهی و طلاب منطق در آن مکان حاضر شده و به مباحثه می‌پرداختند.

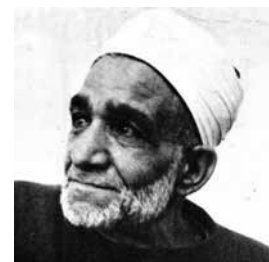
روزهای جمعه نیز جلسه‌ای برگزار می‌کرد و تصانیف خود را برای مردم می‌خواند. در این جلسات قضات و فقها و قاریان قرآن و استادان صرف و نحو و محدثین شرکت داشتند.

فلقشندی چنین بیان کرده که ابن کلس، وزیر عزیز، از خلیفه فاطمی خواست تا برای گروهی از علما مخارجی را در نظر بگیرد و برای هر یک حقوقی برای امرار معاش مقرر سازد. خلیفه محلی در جوار جامع الازهر برای ایشان ساخت و آن‌ها روزهای جمعه پس از مراسم نماز، حلقه درسی در مسجد برای بحث درباره مسائل فقهی ترتیب می‌دادند. **ابو تراب یعقوب قاضی** (الخدق) ریاست این حلقه را که تا ظهر طول می‌کشید به عهده داشت. حاضرین این حلقه درس سی و هفت نفر بودند.

دو سال بعد ابن کلس خلیفه را بر آن داشت تا این کلاس‌ها را همگانی کند و الازهر را به‌صورت جامع درآورد (ناصری طاهری، ۱۳۷۹: ۱۳۵)

بعدها خلفای فاطمی مصر بر جنبه‌های کمی و کیفی آن افزودند و موقوفاتی برای آن در نظر گرفتند (ضمیری، ۱۳۷۱: ۱۳۶). در آنجا بنا بر عادات جاری در جوامع دیگر قرآن و فقه درس می‌دادند و گروهی از طالبان علم در آنجا ساکن بودند که آنان را «مجاورین» می‌نامیدند. در میان این مجاورین یا مقیمان جامع الازهر کسانی پیدا می‌شدند که از دورترین نقاط اسلامی حتی از ترکستان و هندوستان می‌آمدند. برای هر طایفه رواقی بود که به اسم آن‌ها خوانده می‌شد، مانند رواق شامیان، رواق مغربیان، رواق ایرانیان، رواق یمنی‌ها و رواق هندوان؛ و این‌ها غیر از رواق‌هایی بود که خود مصریان در جامع الازهر داشتند.

شمار دانشجویان الازهر را در سده نهم هجری ۷۵۰ تن نوشته‌اند که از طوایف گوناگون در آنجا گرد آمده بودند. این جماعت زیاد همه در الازهر مقیم بودند و صندوق‌ها و خزانه کتب هر یک با خودشان بود و در آنجا فقه، حدیث، تفسیر، نحو و منطق فرا می‌گرفتند و در حلقه‌های وعظ و ذکر نیز حاضر می‌شدند، چه بسا بسیاری از کسانی که طالب علم نبودند نیز جهت تبرک و یا به سبب نداشتن مأوا در آنجا بیتوته می‌کردند ولی وضع این جمع با اختلاف رایج در مصر و به اختلاف



شیخ محمود شلتوت

دانشگاه الازهر، یکی از استوانه‌های محکم در نشر معارف در تاریخ تمدن اسلامی است و چندی پیش هزارمین سال فعالیت خود را جشن گرفت

مناصب حاکمان، پیوسته در دگرگونی و نوسان بوده است. شمار ساکنان این جامع در روزگار خدیویان مصر به چندین هزار رسید و از همین دوره اهتمام شد که برخی از علوم جدید را در آن وارد سازند.

وقتی **ابن خلدون** برای دستیابی به اطلاعات برای تحقیقاتش به مصر سفر کرد از او دعوت شد که به تدریس در الازهر بپردازد. او نیز پذیرفت و روزگاری در تحقیق و تدریس سپری کرد تا اینکه به مقام قاضی القضاات منصوب شد (کاظمی شیرازی - ۱۲۵)

سخن پایانی

دانشگاه الازهر، یکی از استوانه‌های محکم در نشر معارف در تاریخ تمدن اسلامی است و چندی پیش هزارمین سال فعالیت خود را جشن گرفت. (دفتری، ۱۳۷۸:۱۳۰) از جهت اسلامی نیز الازهر نوعی مرکزیت و مرجعیت داشت و مرکز آموزش الهیات اسلامی بود. در سال‌های اخیر به آموزش ادبیات، حقوق، پزشکی، شیمی و... نیز پرداخته است و همواره یکی از مراکز آموزش بزرگ به حساب آمده است. الازهر در سال ۱۱۶۸ میلادی به دست جنگجویان صلیبی افتاد و تبدیل به کلیسا شد اما چندی بعد **صلاح‌الدین ایوبی** دوباره آن را پس گرفت. (کاظمی شیرازی، ۱۳۷۱:۱۰۲)

با روی کار آمدن ایوبیان از رونق الازهر کاسته شد. (ضمیری، ۱۳۷۱:۱۲۶) به دلیل اینکه در دوره فرمانروایی فاطمیان الازهر نقش قاطع در رواج و پخش عقاید اسماعیلی داشت و تعداد زیادی از علما و فقها و طلاب اسماعیلی در مجالس درس الازهر شرکت می‌کردند ولی پس از سقوط فاطمیان، آنان از خصومت ایوبیان سنی مذهب متحمل صدمات و خسارات زیادی شدند. (دفتری، ۱۳۷۸:۱۲۶)

در سال ۱۳۰۳ الازهر در اثر زلزله به کلی ویران شد اما پس از چندی دوباره بنا گردید و در سال ۱۴۲۵ میلادی دانشگاهی شد که شهرت فراوان داشت و ۷۵۰ دانشجوی خارجی در آن درس می‌خواندند.

از قرن ۱۹ به بعد الازهر صورت دانشگاهی امروزی به خود گرفت که دانشکده‌های گوناگون دارد. در سال‌های اخیر توسعه الازهر ادامه یافت تا آنجا که بنا بر آمارهای اخیراً ۴۳۵۷۸ دانشجو داشته.

امروزه الازهر هم یک دانشگاه و هم مرکزی برای تحولات فکری و تبادل اندیشه‌های اسلامی است. (کاظمی شیرازی، ۱۳۷۱:۱۰۲)

از جمله اقدامات مفیدی که در چند دهه پیش، **شیخ محمود شلتوت**، رئیس فقید جامع الازهر، با شهمت انجام داد و به وحدت مسلمانان کمکی فراوان کرد، به رسمیت شناختن فقه شیعه به‌عنوان یکی از ابواب فقه اسلامی بود به‌گونه‌ای که گذشته از فقه اهل سنت یعنی حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی فقه شیعه نیز مجاز شد که در الازهر تحقیق و تدریس شود. در این دانشگاه نه تنها علوم دینی بلکه علوم پزشکی نیز تدریس می‌شود و دانشجویان آن نه تنها مصری و عرب بلکه از اندونزی و مالزی هم هستند. در آنجا تحصیلات رایگان است و هیچ‌گونه تبعیضی در امر تدریس و امور رفاهی دانشجویان بین طلاب وجود ندارد و هر کس بدون توجه به رنگ، زبان و یا نژاد خود و تنها براساس لیاقت و استعداد و نیاز می‌تواند از کمک‌های مادی و معنوی این مؤسسه برخوردار باشد. (ضمیری، ۱۳۷۱:۱۲۶)

منابع

۱. ابراهیم حسن، حسن؛ تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، جلد ۳، انتشارات جاویدان، ۱۳۷۸.
۲. آدام، متز؛ تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ترجمه علی‌رضا ذکاوتی فراگوزلو، ج ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴.
۳. حلی، علی‌اصغر؛ تاریخ تمدن در اسلام، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۲.
۴. خیری، سیدمحمود؛ اسلام در چهارده قرن، دایرةالمعارف اسلامی، تهران: انتشارات نوید، ۱۳۶۲.
۵. خوری حتی، فلیپ؛ تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۶.
۶. دفتری، فرهاد؛ مختصری در تاریخ اسماعیلیه، ترجمه دکتر فریدون بدره‌ای، تهران: انتشارات فرزاد، ۱۳۷۸.
۷. سباعی، محمدملکی؛ تاریخ کتابخانه‌های مساجد، ترجمه محمد عباسپور و محمدجواد مهدوی، آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۳.
۸. ضمیری، محمدعلی؛ تاریخ آموزش و پرورش ایران و اسلام، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۱.
۹. ناصری طاهری، عبدالله؛ فاطمیان در مصر، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹.
۱۰. قبادیانی مروری، ناصربن خسرو؛ سفرنامه ناصر خسرو، به کوشش دکتر نادر وزین‌پور، انتشارات فرانکلین، ۱۳۵۰.
۱۱. کاظمی شیرازی، محمدحسن؛ تاریخ جهان اسلام و روابط خارجی آن از آغاز تا امروز، شیراز: انتشارات نوید شیراز، ۱۳۷۱.
۱۲. محمدی، ذکرا؛ نقش فرهنگ و تمدن اسلامی در بیداری غرب، انتشارات دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)، ۱۳۷۳.
۱۳. مشکور، محمدجواد؛ تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم، تهران: انتشارات اشراقی، ۱۳۷۹.